

ایشان در ادامه به ارتباط این دو علامت با هم اشاره می کند و نحوه پیدایش اعتبار قانونی را از «طریق اعتبار ادبی» بر می شمارد.

«الثالث: العلاقة بين الاعتبارين: إن علاقة الاعتبار الأدبي بالاعتبار القانوني تبرز في تولد الاعتبار القانوني من الاعتبار الأدبي، فإن الاعتبار القانوني في بداية وجوده يكون اعتباراً أدبياً صرفاً، فمثلاً اعتبار المال مملوكاً لزيد حقيقته إعطاء حد شيء لشيء آخر، وهو إعطاء لوازم الأمور الشخصية كإفعال الإنسان الجوارحية والجوانحية للأمور الأجنبية عنه، فكما أن فعل الإنسان تحت إرادته قبضاً وبسطاً وإعطاءً ومنعاً فكذلك المال الأجنبي عنه يكون تحت تصرفه وإرادته، وهذه هي حقيقة الملكية، فهي اعتبار أدبي في مبدأ وجوده لكنه يتحول بمرور الوقت وبعد إقرار المجتمع العقلاني له وكثرة استعماله إلى اعتبار قانوني يرتبط بعمل الفرد والمجتمع، ويكون أمراً متصلاً متصفاً بمطابقة المراد الاستعمالي فيه للمراد الجدي.»^۱

توضیح:

- ۱) اعتبار قانونی، از اعتبار ادبی متولد می شود.
- ۲) اعتبار قانونی در آغاز، اعتبار ادبی بوده است.
- ۳) مثال: وقتی خانه ای را «مملوک زید» به حساب می آوریم، ابتدا خانه را به اعضاء و جوارح شخصی زید تشبیه می کنیم؛ و همانطور که دست آدمی، همه گونه تحت اراده آدمی است، تشبیه می کنیم خانه را به اینکه مثل دست آدمی، «تحت اختیار» است.
- ۴) پس از اینکه اعتبار ادبی، حاصل شد، وقتی جامعه عقلایی آن را امضاء [اقرار] نمود و پس از آنکه کثرت استعمال، حاصل شد، آن اعتبار ادبی به اعتبار قانونی، تبدیل می شود.

ما می گوئیم:

- ۱) باید توجه داشت که همه اعتبارات ادبی به اعتبار قانونی تبدیل نمی شوند [و ظاهراً مراد آقای سیستانی هم همین است]
- ۲) اینکه ایشان «کثرت استعمال» را در پیدایش اعتبار قانونی، دخیل دانسته اند، کامل نیست.
- ۳) ایشان نوشته اند: «اعتبار ادبی دارای اثر اجتماعی نیست»، حرف کاملی نیست؛ چراکه «اعتبارات ادبی»، قطعاً آثار اجتماعی دارد و باعث تهییج های اجتماعی می شود.
- ۴) اینکه «اعتبارات عقلایی»، حتما ناشی از اعتبارات ادبی باشد و ریشه در استعارات ادبی داشته باشد، معلوم نیست. چنانکه خواهیم آورد.

۱. الرفاد فی علم الاصول: ص ۴۸



۵) پس اگر مراد از اعتبار ادبی، «اعتبارات شخصی» است (که اعم است از آنها که ریشه در تشبیه و استعاره دارند) سخن درستی است.

